

## تستی

۱. إنَّ العَقلَ یحکم بتساوی المتجرِّی والعاصی فی ... . ب ۴۱
- أ. استحقاق المذمَّة علی الفعل المقطوع بكونه معصية
- ب. استحقاق المذمَّة من حیث شقاوة الفاعل
- ج. ثبوت العقاب علی القصد
- د. استحقاق المذمَّة من حیث الفعل والفاعل
۲. إنَّ العمده فی منع الأخباریین من العمل بظواهر الكتاب ... . أ ۱۴۹
- أ. الأخبار المانعة عن تفسیر القرآن
- ب. كون المنع هو مقتضى الأصل
- ج. اختصاص العمل بمن قصد إفهامه
- د. اختصاص العمل بالمشافهین
۳. إنَّ وقوع التحریف فی القرآن - علی القول به - لا یمنع من التمسك بالظواهر ... . ج ۱۵۸
- أ. لاحتمال أن التحریف كان فی غیر الظواهر المتعلقة بالأحكام الشرعية
- ب. لكون العلم الإجمالی من قبیل الشبهة غیر المحصورة
- ج. لانحلال العلم الإجمالی بموارد التحریف الواردة فی الروایات
- د. لعدم العلم الإجمالی بوقوع التحریف فی الظواهر
۴. التفقه الواجب فی آیه النفر لیس إلا معرفة ... . ج ۲۸۲
- أ. الأصول الاعتقادیة دون غيرها
- ب. الأحكام الفرعیة دون غيرها
- ج. الأمور الواقعیة من الدین
- د. الأحكام الواقعیة الأولیة

## تشریحی

\* و الحاصل أن كون القطع حجة غیر معقول لأنَّ الحجة ما یوجب القطع بالمطلوب فلا یطلق علی نفس القطع. ۳۰

۱. أ. «حجة» در کلام فوق به چه معناست؟ ب. چرا بر قطع حجت اطلاق نمی‌شود؟

أ. حجت به معنای اصطلاحی، حدّ وسط است که برای قطع به ثبوت اکبر (حکم) بر ذات اصغر (موضوع) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب. چون حجت به معنای حدّ وسط و اطلاق آن بر قطع که نتیجه است، خلاف اصطلاح است.

\* قال الباقری (رحمته الله): لو أن رجلاً قام ليله و صام نهاره و حجّ دهره و تصدّق بجميع ماله و لم یعرف ولاية ولی الله فیکون أعماله بدلالته فیوالیه، ما كان له

علی الله ثواب. ۵۸ - ۶۱

۲. با اینکه حُسن تصدّق، بدیهی و فطری است، روایت چگونه توجیه می‌شود؟

باید این روایت را حمل کرد بر تصدّق به مخالفین به سبب مخالفت و تدین آنها به مذهب فاسدشان و یا بر این حمل کرد که ثواب این

صدقه به سبب عدم معرفت ولی الله حیط می‌شود.

\* قد وقع في الشرع موارد توهم الفرق بين العلم التفصيلي المتوكد من العلم الإجمالي وبين غيره من العلوم التفصيلية. كحكم بعض بصحة ایتمام أحد واجدی المنى في الثوب المشترك بينهما بالأخر وكحكم بعض بجواز ارتكاب كلا المشتبهين في الشبهة المحصورة تدريجاً فلا بد في هذه الموارد من التزام أحد أمور: الأول: كون العلم التفصيلي في كل من أطراف الشبهة موضوعاً للحكم. الثاني: أن الحكم الظاهري في حق كل أحد نافذ واقعاً في حق الآخر. ۸۲

۳. چگونه مصنف مخالفت با علم تفصيلی متولد از علم اجمالی را توجیه کرده است؟ هر دو راه را با مثال تقریب کنید.

۱. در اطراف شبهه، علم تفصیلی به حکم، در موضوع اخذ شده است پس در شبهه محصوره چون مکلف علم تفصیلی به حرام ندارد حکم حرمت در مورد او وجود ندارد. ۲. حکم ظاهری که هر مکلف برای عمل خودش جاری می کند برای دیگران حکم واقعی است پس صحت ظاهری نماز احد واجدی المنی در حق دیگران صحت واقعی خواهد بود لذا اقتداء صحیح است.

\* المعروف إمكان التبعّد بالظن عقلاً ويظهر من الدليل المحكي عن ابن قبة في استحالة العمل بالخبر الواحد عموم المنع لمطلق الظن، قال: إن العمل به موجب لتحليل الحرام وتحريم الحلال، إذ لا يؤمن أن يكون ما أخير بحليته حراماً وبالعكس وهو محال" وهذا الوجه كما ترى جارٍ في مطلق الظن بل مطلق الأمانة الغير العلمية وإن لم يفد الظن. ۱۰۵

۴. أ. استدلال ابن قبة را در ضمن مثال توضیح دهید. ب. مقصود از «مطلق الظن» ظن شخصی است یا نوعی؟

أ. استدلال: از اعتبار ظن، محال لازم می آید پس اعتبار ظن، محال است. وجه ملازمه: چون در ظن احتمال خلاف نیز وجود دارد و ممکن است ظن قائم بر حلیت یک فعلی باشد در حالی که آن فعل در واقع حرام است وبالعکس پس در این جا معتبر دانستن این ظن باعث حلال قرار دادن یک حرامی شد و این محال است زیرا هم نقض غرض لازم می آید و هم فعل مفسده داری را حلال کردن است. ب. مقصود ظن شخصی است.

\* إن ظاهر أكثر القائلين باعتبار الإجماع المنقول (بخبر الواحد) بالخصوص، أن الدليل عليه هو الدليل على حجية خبر العادل، فهو عندهم كخبر صحيح عالي السند؛ لأن مدعى الإجماع يحكي مدلوله ويرويه عن الإمام (عليه السلام) بلا واسطة، ويدخل الإجماع ما يدخل الخبر من الأقسام، ويلحقه ما يلحقه من الأحكام.

۱۷۹

۵. أ. كلمة «بالخصوص» قيد چیست؟ مقصود از آن را بیان کنید. ب. جمله «ويدخل الإجماع ما يدخل الخبر...» را توضیح دهید.

أ. قيد بالخصوص قيد جمله اعتبار است و مقصود از آن ظن خاص بودن اجماع منقول است یعنی اجماع منقول از ظنون خاصه است و به عبارت دیگر دليل خاص بر حجیت آن داریم غير از دليل انسداد كبير.

ب. جمله «ويدخل الإجماع...» اشاره دارد به این که کما این که خبر، صحیح و موثق و حسن و ضعیف دارد اجماع هم به اعتبار ناقل صحیح دارد اگر ناقل عادل و امامی باشد. وهكذا حسن دارد اگر ناقل آن امامی ممدوح باشد و موثق دارد اگر ناقل ثقة غیر امامی باشد و ضعیف دارد اگر ناقل فرد مجهول الحال و یا فاسق باشد و همچنین احکام خبر واحد در اجماع منقول هم جاری می شود مثلاً اجماع منقول مخصّص عام قرآنی می شود مثل خبر واحد معتبر ... و مثل تعارض دو اجماع منقول و هكذا.

\* إن المتتبع في الإجماعات المنقولة يحصل له القطع من تراكم أمارات كثيرة، باستناد دعوى الناقلين للإجماع إلى الحدس الحاصل من حسن الظن بجماعة ممن تقدّم على الناقل، أو من الانتقال من الملزوم إلى لازمه، مع ثبوت الملازمة باجتهد الناقل واعتقاده. ۲۱۱

۶. عبارت را توضیح دهید.

با تتبع در اجماعات منقوله از قرائن فراوان قطع حاصل می شود که ادعای اجماع توسط ناقلین یا به خاطر حسن ظن به متقدمین بوده است که حتماً نظر درست را انتخاب کرده اند و یا بدین خاطر بوده است که ملزومی را می پذیرفته اند و چون ملازمه را مورد قبول همه می دانستند لازم را به جمیع نسبت می داده اند.

\* آورد علی الاستدلال بآیه النبأ علی حجیة خبر الواحد بآنا لو سلّمنا دلالة المفهوم علی قبول خبر العادل الغير المفید للعلم لكن نقول إن مقتضى عموم التعلیل وجوب التبیّن فی کلّ خبر لا یؤمن الوقوع فی الندم من العمل به وإن كان المخیر عادلاً فیعارض المفهوم والترجیح مع ظهور التعلیل. ۲۵۸

۷. وجه تعارض بین مفهوم و عموم تعلیل و نیز وجه ترجیح ظهور تعلیل بر مفهوم را توضیح دهید.

تعارض: چون نسبت بین مفهوم و تعلیل در آیه عموم و خصوص من وجه است و در نقطه اجتماع که خبر عادل غیر علمی است تعلیل می گوید حجت نیست و مفهوم می گوید حجت است تعارض دارند.

وجه ترجیح: (ولکن تعلیل مقدم است بر مفهوم ولو مفهوم اخص باشد و فقط خبر عادل غیر علمی را بگیرد) چون در نزد عرف معلول تابع علت است در عموم و خصوص و التعلیل یعمم و یخصص و این جا نیز تعلیل تعمیم می دهد عدم حجیت را به خبر عادل غیر علمی.

\* إن الآیات التي استدل بها علی حجیة خبر الواحد علی تقدیر تسلیم دلالة كل واحد منها علی حجیة الخبر إنما تدلّ - بعد تقييد المطلق منها الشامل لخبر العادل و غیره بفهوم آیه النبأ - علی حجیة خبر العادل الواقعی أو من أخیر عدلٌ واقعی بعدالته بل یمكن انصراف المفهوم بحکم الغلبة و شهادة التعلیل بمخالفة الوقوع فی الندم - إلى صورة إفادة خبر العادل الظنّ الاطمئنانی بالصدق، كما هو الغالب مع القطع بالعدالة؛ فیصیر حاصل مدلول الآیات اعتبار إفادة خبر العادل الظنّ الاطمئنانی بالصدق كما هو الغالب. ۲۹۶

۸. با توجه به عبارت، چه نوع خبری حجت است؟ چرا؟

خبر عادلی که مفید اطمینان و وثوق است؛ زیرا سایر آیات که مطلق هستند، با مفهوم آیه نبأ، به خبر عادل واقعی تخصیص می خورند؛ بلکه خود مفهوم نیز به واسطه عموم تعلیل مضیق شده و در نتیجه خبر عادل واقعی مفید وثوق و اطمینان حجت خواهد بود. در نتیجه، سایر آیات نیز به این مفهوم مضیق تخصیص خواهند خورد.

\* والإنصاف أن ما فهمه العلامة من إطلاق قول الشيخ بحجیة خبر العدل الإمامیّ أظهر ممّا فهمه المحقق من التقييد (بقبول الأصحاب أو دلالة القرائن علی الصّحة) لأنّ الظاهر أن الشيخ إنما یتمسك بالإجماع علی العمل بالروایات المدوّنة فی كتب الأصحاب علی حجیة مطلق خبر العدل الإمامیّ بناءً منه علی أنّ الوجه فی عملهم بها كونها أخبار عدول، وكذا ما ادّعاه من الإجماع علی العمل بروایات الطوائف الخاصّة من غیر الإمامیّة، وإلاّ فلم يأخذه فی عنوان مختاره ولم یشرط كون الخبر ممّا رواه الأصحاب وعملوا به. ۳۲۸

۹. با توجه به متن، دو وجه اظهر بودن فهم علامه را ذکر کنید.

۱. معقد اجماع شیخ، حجیت مطلق خبر عدل امامی است ولو این که اصحاب قبول نکرده باشند و محفوف به قرائن نباشد پس وجه اعتبار در نزد اصحاب، عادل بودن راوی می باشد. ۲. آن وجه اعتبارها كونها اخباراً موثوقاً بصدورها لا أخبار عملت بها الاصحاب.